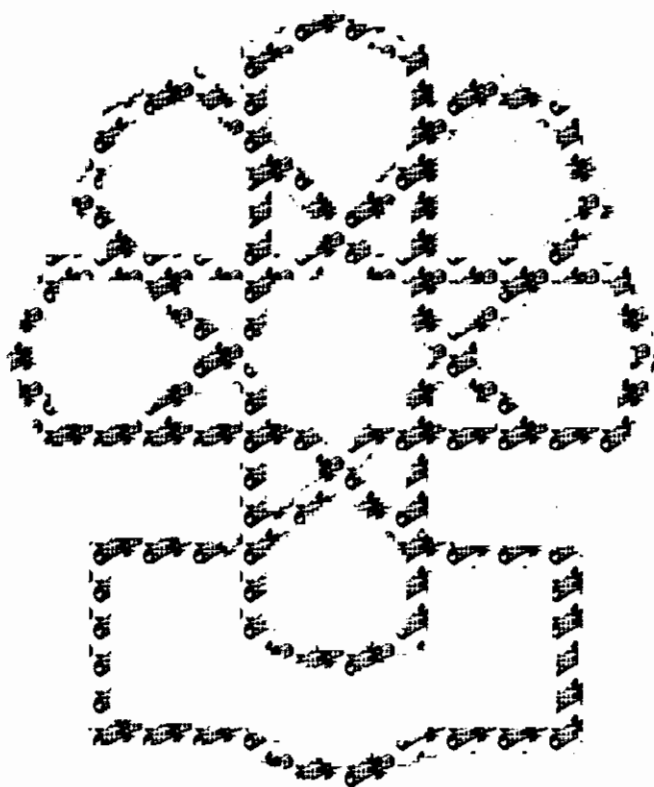




مسائل روز؛ تحلیل‌ها و رهیافت‌ها



معاونت پژوهشی

شهریور ماه ۱۳۷۵

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

این گزارش بنا به درخواست جناب آقای مهدوی نماینده
محترم مجلس شورای اسلامی تهیه گردیده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی سازمان

شماره: ۷۷۵۴

تاریخ: ۷۲، ۱۱، ۱۸

کد گزارش: ۴۰۱۶۳۷

مسائل روز؛ تحلیل‌ها و رهیافت‌ها

کد گزارش: ۴۰۱۶۳۷

فصل ۱- مروری بر کارنامه دولت

مقدمه

بسیاری از تحلیل‌گران، عملکرد نظام اجرایی را راهی آسان و قابل درک برای ارزیابی و سنجش کارنامه انقلاب اسلامی تلقی می‌کنند و عملکرد دولت را آئینه انقلاب اسلامی دانسته و موفقیت و شکست برنامه‌ها و رهیافت‌های دولت را پایه و مبنای داوری درباره کل انقلاب قرار می‌دهند. این فصل تنها بر آنیم تا در نگاهی اجمالی آنجا که آمار و اطلاعات در دسترس بوده‌اند، دستاوردهای حاصل از سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکردهای دولت را طی برنامه اول توسعه اقتصادی- فرهنگی- اجتماعی مورد ارزیابی قرار دهیم.

۱-۲- بخش آموزش و پرورش عمومی:

تعداد دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در آموزش و پرورش عمومی از ۱۲,۸۱۷ هزار نفر در سال ۱۳۶۷ به ۱۸,۰۵۱ هزار نفر در سال ۱۳۷۳ رسیده است، که از رشد متوسط سالانه ۵/۹ درصدی برخوردار بوده است. در همین مدت نسبت دانش‌آموزان به کلاس درس از ۲۵/۷۲ نفر در سال ۱۳۶۷ به ۲۹/۶ نفر در سال ۱۳۷۳ رسیده است که نشان دهنده عدم تحقق اهداف برنامه در زمینه احداث مدارس و فضاهای آموزشی می‌باشد.

سواد آموزی:

نرخ با سوادی که در سال ۱۳۶۷ معادل ۶۲/۲ درصد بوده است بر اساس یافته‌های آماری در سال ۱۳۷۳ به رقمی حدود ۸۲/۶ درصد افزایش یافته است. نسبت با سوادی کشور در سال ۱۳۵۵، ۴۷/۵ درصد بود بر این اساس پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تا پایان سال ۱۳۷۳ به طور متوسط روزانه بیش از ۵۲۰۰ نفر با سواد شده‌اند. در یک مقایسه دیگر رقم با سوادی زنان نسبت به قبل از انقلاب از ۳۵/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۸/۱ درصد در سال ۱۳۷۳ و نسبت با سوادی در مناطق روستایی نیز از ۳۰/۵ درصد به ۷۵/۱ درصد افزایش یافته است.

۱-۳- بخش آموزش عالی:

تعداد دانشجویان:

تعداد دانشجویان بخش دولتی (حضور و نیمه‌حضور) با برخورداری از رشد سالانه معادل ۱۱/۲ درصد از ۲۸۱۳۹۲ نفر در سال تحصیلی ۶۹-۶۸ به ۴۷۸۴۵۵ نفر در سال تحصیلی ۷۴-۷۳ رسیده است. تعداد دانشجویان بخش غیر دولتی با برخورداری از رشد سالانه‌ای معادل ۳۵/۳ درصد از ۹۰۰۰۰ نفر در سال پایه برنامه به ۳۰۱,۴۲۵ نفر در سال ۱۳۷۱ رسید. این در حالی است که میزان رشد سالانه در نظر گرفته شده در برنامه برای افزایش تعداد دانشجویان این بخش ۱۰/۷ درصد بوده است. که این امر خود موجب افزایش شاخص نسبت دانشجو در صد هزار نفر جمعیت گردید، به طوری که عملکرد میزان شاخص در چهار سال برنامه (۱۱۲۷ نفر دانشجو در یک صد هزار نفر جمعیت) ۳۸۸ نفر بیشتر از شاخص برنامه در همین سال یعنی ۷۳۹ نفر دانشجو در صد هزار نفر جمعیت شده است.

فارغ التحصیلان:

تعداد فارغ التحصیلان از ۳۷۳۸۷ نفر در سال تحصیلی ۶۹-۶۸ به ۶۳۸۶۶ نفر در سال تحصیلی ۷۴-۷۳ رسیده است که رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۱۱/۳ درصد را نشان می‌دهد.

۴-۱ بخش عمرانی روستایی:

تا پایان سال ۴۵۰۰۰۵۷ روستا دارای برق، ۱۲ هزار روستادارای آب آشامیدنی و تنها ۸ هزار کیلومتر راه روستایی مناسب داشته‌ایم. هم‌اکنون بیش از ۷۰ هزار کیلومتر راه روستایی احداث و تکمیل شده، بیش از ۲۹۶۰۰ روستا از آب آشامیدنی سالم و بیش از ۲۹۵۰۰ روستا از نعمت برق برخوردار شده‌اند. در حال حاضر بیش از ۷۵ درصد جمعیت روستایی از راه، ۸۵ درصد از آب آشامیدنی و ۷۳ درصد از برق و در مجموع ۸۵ درصد جمعیت روستایی از خدمات زیر بنایی از جمله آب، برق، بهسازی و راه برخوردار می‌باشند.

در چهار سال اول برنامه ۳۳۰۰ کیلومتر راه روستایی ایجاد شده است. در زمینه برق نیز هدف برنامه برقرار نمودن ۲۰۰۰ روستا در سال بوده که در عمل ۵۰ درصد آن تحقق یافت و علت عدم تحقق افزایش قیمت‌ها و مشکلات اجرایی بوده که با تدابیر اتخاذ شده در برنامه دوم سعی در جبران این عقب ماندگی می‌باشد.

۵-۱ بخش کشاورزی:

۱-۵-۱ زیر بخش زراعت

گندم، میزان تولید گندم از ۷۰۱۲ هزار تن در سال ۱۳۶۷ به ۱۰۳۵۹ هزار تن در سال ۱۳۷۱ افزایش یافته و رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۱۰/۲ درصد داشته است.

برنج: میزان تولید برنج از ۱۷۰۰ هزار تن در سال ۱۳۶۷ به ۲۵۰۰ هزار تن در سال ۱۳۷۱ افزایش یافته که رشد متوسط ۱۰/۱ درصدی را نشان می‌دهد. رشد پیش‌بینی شده برنامه ۴/۸ درصد بوده است.

چغندر قند: میزان تولید چغندر قند از سال ۴۴۴۶ هزار تن در سال ۱۳۶۸ به ۶۰۰۰ هزار تن در سال ۱۳۷۱ افزایش یافته که رشد متوسط سالانه معادل ۷/۸ درصد را نشان می‌دهد. رقم پیش‌بینی شده در برنامه ۹/۲ درصد بوده است و بنابراین هدف برنامه تحقق نیافته است.

سایر محصولات زراعی: به طور کلی رشد متوسط سالانه محصولات از قبیل پیاز و حبوبات از پیش‌بینی آن در برنامه به مراتب بیشتر بوده و رشد متوسط سالانه تولید سیب زمینی در عمل تقریباً برابر رقم پیش‌بینی بوده است.

۲-۵-۱ زیر بخش دام و طیور

گوشت قرمز: میزان تولید گوشت قرمز از ۵۲۵ هزار تن در سال ۱۳۶۷ به ۶۲۵ هزار تن در سال ۱۳۷۱ افزایش یافته و رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۴/۵ درصد داشته است رقم پیش‌بینی شده در برنامه ۳/۴ درصد بود.

گوشت مرغ: میزان تولید گوشت مرغ از ۳۰۰ هزار تن در سال ۱۳۶۷ به ۵۲۰ هزار تن در سال ۱۳۷۱ افزایش یافته درصد متوسط سالانه ۱۴/۷ درصدی را نشان می‌دهد. رقم پیش‌بینی شده در برنامه ۱۱/۴ درصد بوده بنابراین عملکرد از پیش‌بینی فراتر رفته است.

تخم مرغ: میزان تولید تخم مرغ از ۲۸۰ هزار تن در سال ۱۳۶۸ به ۳۹۰ هزار تن در سال ۱۳۷۱ افزایش یافته است و رشد متوسط سالانه ۱۱/۸ درصدی را نشان می‌دهد که با رقم پیش‌بینی شده در برنامه برابر است.

شیر: میزان تولید شیر از ۳۴۰۰ هزار تن در سال ۱۳۶۷ به ۴۱۴۵ هزار تن در سال ۱۳۷۱ افزایش یافته و به این

ترتیب از متوسط رشد سالانه‌ای معادل ۵/۱ در صد برخوردار بوده است. رقم پیش‌بینی شده در برنامه ۴/۱ درصد بوده که در این زمینه نیز رشد بیشتری را نشان می‌دهد.

۱-۵-۳- زیر بخش شیلات و آبزیان

در این زمینه در حد فاصل سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۶۷، استحصال ماهی از آب‌های شمال با متوسط رشد ۳۵/۶ درصد رشدی کمتر نسبت به آنچه در برنامه پیش‌بینی شده بود (۳۷/۷ درصد) را نشان می‌دهد و از ۱۳/۷ هزار تن به ۴۶/۳ هزار تن رسیده است. با این وجود استحصال ماهی از آب‌های شمال بیش از سه برابر شده است. استحصال ماهی از آب‌های جنوب در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ بیشتر از رقم پیش‌بینی شده در برنامه بوده و در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ استحصال ماهی از این منبع کاهش یافته است. به طور کلی متوسط رشد استحصال ماهی از دریای جنوب در حد فاصل سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۱ معادل ۲/۵ درصد بوده است.

۱-۵-۴- محصولات کشاورزی: سطح زیر کشت اراضی زراعی از ۴۸۷۸ هزار هکتار به صورت آبی و ۵۸۲۸ هزار هکتار به صورت دیم در سال ۱۳۶۷ به ترتیب به ۵۶۴۹ هزار هکتار آبی و ۶۹۳۱ هزار هکتار دیم در سال ۱۳۷۰ رسید. که در زمینه کشت دیم رشدی معادل ۱۵/۸ درصد و در زمینه کشت دیم رشدی معادل ۱۸/۹ درصد را نشان می‌دهد.

۱-۶- بخش بهداشت و درمان

در چهار سال اول برنامه علی‌رغم عدم تحقق کامل اهداف کمی برنامه، در زمینه ایجاد و تجهیز و راه‌اندازی مراکزی چون خانه‌های بهداشت و مراکز بهداشتی و درمانی شهری و روستایی، خدمات و عملیات بهداشتی و مراقبت‌های اولیه بهداشتی از توفیق چشمگیری برخوردار بوده است که آثار آن را بهبود وضعیت شاخص‌های زیر می‌توان مشاهده کرد:

- کاهش میزان مرگ و میر کودکان از ۴۴/۸ در هزار در سال ۱۳۶۷ به ۳۳ در هزار در سال ۱۳۷۱.
- کاهش میزان مرگ و میر مادران به علت عوارض حاملگی از ۹۰ درصد هزار در سال ۱۳۶۷ به ۴۰ درصد هزار سال ۱۳۷۱.
- افزایش پوشش مراقبت‌ها و خدمات بهداشتی کودکان زیر ۶ سال از ۴۷ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۸۲ درصد در سال ۱۳۷۲.
- افزایش پوشش عملیات تنظیم خانواده و بهداشت مادر و کودک از ۲۴ درصد زنان متأهل ۱۵ با ۴۵ ساله در سال ۱۳۶۷ به ۳۴ درصد در سال ۱۳۷۱
- در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ امکانات و ظرفیت‌های فیزیکی زیر ایجاد، احداث و راه‌اندازی شده و ظرفیت‌های خدمت‌رسانی کشور افزوده گردیده‌اند.
- خانه‌های بهداشت روستایی فعال ۴۳۴۰ واحد.
- مراکز بهداشتی و درمانی روستایی فعال، ۲۸۱ واحد.
- مراکز بهداشتی و درمانی شهری و شهرستان و استان، ۳۴۶ واحد.
- مراکز تسهیلات زایمان روستایی، ۳۰۰ واحد.
- روستاهای لوله‌کشی شده آب آشامیدنی سالم، ۴۷۰۰ روستا.
- تعداد تخت‌های درمان عمومی، ۳۲۰۰ تخت.

۱-۷- بودجه و وضع مالی دولت:

در دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۱، درآمدها و هزینه‌های دولت ضمن هماهنگی با هدف‌های مندرج در قانون برنامه اول در سطحی نزدیک به ارقام قوانین سالانه بودجه تحقق یافت. میزان تحقق درآمدهای دولت در سال ۱۳۶۸، یک درصد، در سال ۱۳۶۹، ۴۰/۵ درصد، در سال ۱۳۷۰ معادل ۴۸/۳ درصد و در سال ۱۳۷۱ بالغ بر ۷۷ درصد بیش از هدف تعیین شده در برنامه بوده است. رشد متوسط سالانه درآمدهای دولت در دوره فوق معادل ۴۷/۴ درصد بوده که در حدود دو برابر رشد پیش‌بینی شده در برنامه است.

درآمدهای دولت

درآمد نفت طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۱ با رشد متوسط سالانه ۱۱/۵۵ درصد افزایش یافت (هر چند به دلیل نوسانات در برخی سال‌ها هدف برنامه تحقق نیافت). در آمد مالیاتی از رقم ۱۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ به ۳۷۷۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱ رسید که از رشد متوسط سالانه ۴۰ درصد برخوردار بوده است. در آمد مالیاتی دولت در سال ۱۳۷۳ به رقم ۵۴۹۰/۸ میلیارد رسیده است.

۱-۸- اشتغال و نیروی کار:

جمعیت فعال و شاغل: با توجه به نتایج طرح جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰ حدود ۳۸/۳ درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر کشور از نظر اقتصادی فعال هستند که از این گروه ۳۴ درصد شاغل و ۴/۳ درصد جویای کار هستند. به این ترتیب میزان بیکاری از ۱۴/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱۱/۴ درصد در سال ۱۳۷۰ کاهش یافته است.

طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ مجموعاً ۱۶۶۵ هزار فرصت شغلی جدید در کل بنیان‌های اقتصادی کشور ایجاد شد و حجم جمعیت شاغل از ۱۱۴۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۶۷ به ۱۳۱۱۵ هزار نفر در سال ۱۳۷۰ افزایش یافته است. میزان بیکاری در شهرها از ۱۵/۳ درصد و در روستاها از ۱۲/۱ درصد در سال ۱۳۶۵ به ترتیب ۱۰/۵ و ۱۲/۵ درصد در سال ۱۳۷۰ کاهش یافته است.

فصل دوم - اولویت‌های مجلس پنجم

مدیریت کشور در مفهوم وسیع خود به تمامی امور مربوط به اداره جامعه باز می‌گردد و ابعاد مختلف مطرح شده در حیطه وظایف مجلس شورای اسلامی، دولت و قوه قضائیه را زیر پوشش قرار می‌دهد. اما در معنی محدود مدیریت اجرایی کشور تنها به امور اجرایی یعنی وظایف مربوط به قوه مجریه اطلاق می‌گردد.

در این جا قصد داریم مهم‌ترین محورهای مطرح شده در مدیریت اجرایی کشور را به مفهوم محدود آن که در رابطه با دولت و وظایف آن قرار می‌گیرد، مشخص نموده و نقش مجلس شورای اسلامی را به عنوان قانونگذار و هدایت‌کننده این مدیریت اجرایی یادآور شویم.

واقعیت آن است که چنانچه مسائل بنیادی و رفع نارسایی‌های ساختاری در دستور کار مجلس و دولت قرار نگیرد، باید بپذیریم که تنگناها و بحران‌ها با گذشت زمان، سنگین و پیچیده‌تر می‌گردیده و در آینده نظام را در حل آنها با مشکلات جدی‌تر مواجه خواهد ساخت.

از این رهگذر است که باید گفت مجلس پنجم باید مجلس تحولات ساختاری باشد اهم موضوعات و محورهایی که باید در دستور کار قرار بگیرد عبارتند از:

۱- نظام آماری جمهوری اسلامی ایران

یکی از مهم‌ترین مشکلات مسئولان کشور برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمبود آمار و ارقام گویا و قابل اعتماد است. یکی از دلایل کمبود در این زمینه ساختار نارسای نظام آماری کشور است که موجب شده تا آمار و ارقام دقیق، بی‌طرف و «بهنگام» کمتر در اختیار مردم و مسئولان قرار گیرد.

بدیهی است قوانین و مقررات لازم برای اجرای ساختار مطلوب نظام آماری کشور مستلزم مشارکت فعالانه مجلس شورای اسلامی در جهت بازنگری قوانین و مقررات موجود و اصلاح و تصویب نهایی آن است. بنابراین اصلاح نظام آماری کشور به عنوان یکی از محورهای مهم کار مجلس می‌تواند مطرح باشد.

۲- ساختار دولت

حکومت در معنای محدود آن یعنی دولت، دارای وظایفی است که عمدتاً به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود:

- امور عمومی و حاکمیت دولت مانند امور دفاعی، حفظ نظم و امنیت داخلی؛
- اعمال تصدی‌های دولتی مانند فعالیت در شرکت‌های تولیدی یا بازرگانی؛
- امور توسعه‌ای یا برنامه‌ای مانند ایجاد زیربناهای مختلف از جمله احداث شبکه راه‌ها، منابع طبیعی؛
- امور باز توزیعی و حمایتی مانند پرداخت یارانه یا دریافت مالیات از کالاهای لوکس، امور مربوط به تأمین اجتماعی و ... دولت بر انجام وظایف اساسی خود معمولاً دارای ابزاری به شکل تشکیلات اداری - مالی است.

با وجود آن که پس از انقلاب اسلامی تلاش‌های مختلفی برای دستیابی به سازمان متناسب اداری صورت گرفته اما همچنان جای اصلاحات فراگیر و اساسی در تشکیلات اداری - مالی دولت خالی به نظر می‌رسد.

از این رو لازم به نظر می‌رسد که مجلس شورای اسلامی به عنوان یکی از محورهای اساسی فعالیت‌های خود اصلاح ساختار سازمانی مدیریت امور اجرایی و طراحی تشکیلات بهینه اداری - مالی کشور را در دستور کار خویش قرار دهد.

۳- اصلاح نظام مالیاتی

مالیات‌ها عمده‌ترین منابع درآمدی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد. مالیات‌ها به تخصیص منابع اثر گذارده و توزیع درآمد را نیز تغییر می‌دهند. پایه‌ها و نرخ‌های مالیاتی اساس یک نظام مالیاتی را تشکیل می‌دهند. در گذشته از مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم به عنوان بخش‌های اساسی مالیات‌ها نام برده می‌شد اما امروز عمدتاً مالیات‌ها را بر اساس پایه‌های آن چون مالیات بر درآمد، مصرف و ثروت تقسیم‌بندی می‌کنند. در بررسی پایه‌ها و نرخ‌های مالیاتی موجود ایران می‌توان مشاهده کرد که این مجموعه فاقد یک نظام پیوند دهنده مالیاتی است. بنابراین بررسی و اصلاح نظام مالیاتی به عنوان یکی از محورهای اساسی در اقتصاد کشور مطرح است و باید در اولویت‌های کاری مجلس پنجم قرار گیرد.

۴- رفع موانع سرمایه‌گذاری داخلی

سرمایه‌گذاری موثر، عامل اساسی در رسیدن به توسعه به طور عام و توسعه صنعتی به طور خاص است. منابع اصلی سرمایه‌گذاری داخلی عمدتاً عبارت است از: امکانات پس‌انداز جامعه، وام یا اعتبارات سیستم

بانکی و منابع موجود در بازار سرمایه با بورس. شناخت ظرفیت هر یک از منابع در تأمین سرمایه گذاری و همچنین گسترش این منابع مستلزم تصمیم‌گیری‌های اساسی در زمینه مسائلی همچون نرخ سود، پایه‌ها و نرخ‌های مالیاتی، نحوه حمایت از سرمایه گذاری‌های مولد و حفظ امنیت منابع سرمایه گذاران و نظایر آن دارد. علاوه بر موارد مذکور آنچه در رابطه با موضوع سرمایه گذاری دارای اهمیت است، شناخت موانع موجود در سر راه بهره‌برداری از منابع سرمایه گذاری و به جریان انداختن آن در فعالیتهای اقتصادی است. این موانع را می‌توان به چند گروه اصلی تقسیم‌بندی نمود.

اول موانعی که با تدوین سیاست اقتصادی مناسب و کارا مرتفع می‌گردد. دوم موانعی که به فقدان سیاست‌های مطلوب صنعتی و تجاری باز می‌گردد. سوم موانعی که به نارسایی‌ها، تناقض‌ها و عدم آرای‌های قوانین جزایی و یا دستگاه قضایی باز می‌گردد.

بنابراین لازم است در جهات حل و فصل نهایی موانع تشکیل سرمایه در کشور، موانع فوق مورد توجه واقع و راه کارهای قانونی و اجرایی مناسب برای آنها فراهم گردد.

۵- اصلاح جامع قوانین و مقررات صادرات و واردات

قوانین و مقررات صادرات و واردات در سال‌های گذشته تغییرات بسیار گسترده‌ای یافته است که شاید دلیل اصلی آن تغییرات سریع وضعیت اقتصادی - اجتماعی کشور باشد. اما نکته قابل توجه آن است که تغییر قوانین و مقررات عمدتاً واکنشی بسیار سریع نسبت به شرایط روز بوده است. بررسی جامع قوانین و مقررات صادرات و واردات به طوری که به تنظیم و تصویب قوانینی صریح بیانجامد و در عین حال پاسخگوی نیازهای جدید تجارت بین‌المللی باشد کاری بسیار دشوار است که می‌تواند به عنوان یکی از محورهای اساسی فعالیت مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.

موضوعات اساسی در این بررسی عمدتاً عبارتست از:

- شناخت اهداف، سیاست‌ها و استراتژی‌های تجاری، صنعتی کشور

- بررسی بازتاب اهداف، سیاست‌ها و استراتژی‌ها در قوانین و مقررات تجارت خارجی

- تعارضات نقایص و موانع موجود در قوانین و مقررات صادرات و واردات و آثار آنها به عملکرد

تجارت خارجی وضع، تصویب و اجرای سیاست‌ها و مقررات بازرگانی خارجی

۶- اشتغال

یکی از مهم‌ترین اهداف رشد و توسعه، بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه است. رشد و توسعه در شرایطی تحقق می‌یابد که غالب افراد جامعه در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی در جهت ترقی و تعالی مشارکت داشته و از منافع آن بهره‌مند شوند. به عبارت دیگر با اشتغال افراد جامعه در فعالیتهای هدفمند از یک سو توسعه جامعه تحقق می‌یابد و از سوی دیگر منافع حاصل از توسعه بین انسان‌ها - که هدف اصلی توسعه هستند - توزیع می‌شود.

بنابراین اشتغال موضوعی اساسی است که متضمن فقرزدایی و بهبود زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و فرد است.

بیکاری به ویژه بیکاری نسل جوان از جمله مشکلاتی است که جامعه ایران با آن رو به رو است و با توجه به ساختار جوان جمعیت کشور، به نظر می‌رسد در آینده‌ای نه چندان دور، خود را با ابعادی وسیع‌تر بیش از پیش نمایان سازد. بنابراین ایجاد اشتغال و برخورد جدی با بیکاری و پی‌آمدهای آن از جمله مسائل بسیار

اساسی در جامعه است که تلاش‌های پی‌گیر مجلس شورای اسلامی را ایجاب می‌نماید.

فصل سوم - سیاست‌های اقتصادی نوین بر محور «اقتصاد بدون نفت»

۱-۳- ضرورت قطع وابستگی به درآمدهای نفتی

در سال ۱۳۷۴، تولید نفت خام کشور ۳/۶ میلیون بشکه در روز و مصرف داخلی آن ۱/۲ میلیون بشکه در روز بود. بررسی روند مصرف فرآورده‌های نفتی در کشور نشان‌دهنده آن است که طی سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۵۳، مصرف فرآورده‌های نفتی از رشد متوسط سالانه ۶/۶ درصد برخوردار بوده است و پیش‌بینی می‌شود که در صورت ادامه روند مذکور در طول ۱۵-۱۰ سال آینده صادرات نفت قطع شده و نفت تولیدی تنها مصرف داخلی را تأمین نماید. از سوی دیگر نفت به عنوان تأمین‌کننده عمده درآمد ارزی کشور مطرح بوده و نوسانات قیمت نفت و یا هر نوع تصمیم‌گیری در صنعت نفت، که به نحوی سطح درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت و به تبع آن درآمدهای ارزی کشور را کاهش دهد، نوسانات غیر قابل‌کنترلی در صحنه اقتصادی - اجتماعی کشور به وجود می‌آورد. در خصوص آثار افزایش یا کاهش درآمدهای ارزی، مباحثی تحت عنوان «بیماری هلندی» در نظام اصطلاحات اقتصادی مطرح گردیده است. این نظریه، آثار کاهش درآمدهای ارزی را پس از یک دوران افزایش مستمر درآمدها، مورد توجه قرار داده و نتیجه می‌گیرد که در چنین شرایطی اقتصاد کشور وارد دوران «رکود تورمی» شده و هر چه کاهش درآمدهای ارزی شدیدتر باشد، «رکود تورمی» تشدید می‌گردد.

در ایران به دلیل اتکای تاریخی فعالیت‌های اقتصادی به درآمدهای نفت، بخش قابل‌توجهی از فعالیت‌های اقتصادی تحت تأثیر میزان دریافتی‌های ارزی قرار می‌گیرد. در دوران افزایش درآمدهای نفتی تمامی متغیرهای اقتصادی (متغیرهای تولیدی و متغیرهای تقاضا) دچار تغییر شده و طبیعتاً آن دسته از متغیرها که با درآمدهای نفتی همبستگی بیشتری دارند، تغییرات وسیع‌تری را تجربه می‌کنند. برعکس، در شرایط کاهش درآمدهای ارزی یک دسته از متغیرها، واکنش سریعی از خود نشان می‌دهد و مقدار آنها نیز کاهش می‌یابد و تعدادی دیگر از آنها دارای واکنش تأخیری هستند و با کاهش درآمدهای ارزی به همان نسبت، کاهش نمی‌یابند و یا حتی به افزایش خود ادامه می‌هند.

بررسی روند تولید و قیمت‌ها نشان‌دهنده آن است که در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ با افزایش نسبی درآمدهای ارزی شکاف بین تولید و قیمت کاهش یافته و از سال ۱۳۷۰ به بعد مجدداً با بروز تنگنای ارزی توسعه یافته است و به نظر می‌رسد که اقتصاد کشور از سال ۱۳۷۰ به بعد مجدداً وارد دوران «رکود تورمی» شده است که اوج این دوران، در سال ۱۳۷۳ می‌باشد. گشودن گره این مشکل و تنها راه حلی که برای احیا و دوام و توسعه اقتصاد کشور باقی می‌ماند، توسعه صادرات غیر نفتی ایران که علاوه بر ورود ارز به کشور، با تحرک در عوامل و نهادهای تولیدی، موجب کاهش رکود اقتصادی حداقل در بخش‌های صادراتی و مرتبط با صادرات می‌گردد.

۲-۳- پیشنهادات

با توجه به اهمیت موضوع و نیز تأکید مقام معظم رهبری، در برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی کشور بحث صادرات غیر نفتی به عنوان یکی از خط‌مشی‌های اساسی به تصویب مجلس رسیده

است. لذا شایسته است مجلس محترم جمهوری اسلامی ایران نیز با تشکیل کمیسیون خاص مطالعه‌ای درباره چگونگی تحقق موضوع را در دستور کار خود قرار داده و جوانب مختلف مطرح در این رابطه را مورد بررسی قرار دهد. بعضی از مهم‌ترین ابعاد این بررسی به شرح زیر است:

- ۱- شناخت کلی مزیت‌های اقتصادی کشور در زمینه تولید و به طور اخص در زمینه صادرات غیر نفتی؛
- ۲- تغییر ساختار تولید در جهت تحدید کالاهای وارداتی و توسعه صادرات غیر نفتی؛
- ۳- بررسی موانع و مشکلات قانونی، حقوقی، اداری و سازمانی صادرات غیر نفتی؛
- ۴- نقش قیمت‌گذاری و بازاریابی در توسعه صادرات غیر نفتی؛
- ۵- بررسی نقش و تأثیر مناطق آزاد تجاری و همکاری‌های منطقه‌ای در توسعه صادرات غیر نفتی؛
- ۶- بررسی و شناخت بازارهای جهانی به ویژه بازارهای منطقه به منظور شناسایی بازارهای جدید و تقویت بازارهای موجود برای توسعه صادرات غیر نفتی؛
- ۷- بررسی چگونگی تغییر الگوی مصرف در جهت محدود کردن مصارف ارزی.

۳-۳- سیاست توسعه صنعتی، شاخص‌ترین محور سیاست‌های اقتصادی نوین

تدوین سیاست‌های اقتصادی تازه، در واقع بستر اصلی فعالیت‌های اقتصادی کشور را رقم می‌زند. تردید نیست که سیاست‌های اقتصادی که در جهت محوریت دادن اقتصاد بدون نفت اتخاذ خواهند شد تنها زمانی به حاصل شایسته خواهد رسید که سیاست‌های صنعتی و تجاری، سازگار با سیاست اقتصادی نوین تدوین و پیاده گردد، چه این که فعالیت‌های صنعتی، علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های قابل ملاحظه در آن چند دهه گذشته هنوز نتوانسته جایگاه مناسبی را در مجموع فعالیت‌های اقتصادی کشور به دست آورد. به عنوان مثال سهم بخش صنعت از تولید ناخالص ملی، طبق برآوردهای خوشبینانه حدود ۱۳ درصد است که در مقایسه با کشورهایی همچون ترکیه (۲۳ درصد) و تایلند (۲۱ درصد) سهم ناچیزی است. ارزش افزوده حاصل از این بخش نیز در مقایسه با بعضی کشورها در حد پایینی است، به طوری که ارزش افزوده سرانه در سال ۱۳۶۹ در کشور حدود ۵۰ دلار (هر دلار ۱۷۵۰ ریال) بوده، حال آن که کشورهایی همچون ترکیه و تایلند به سطح ۳۴۹ دلار و ۴۳۶ دلار رسیده‌اند و کشورهای کره جنوبی و مالزی با ارزش‌های افزوده سرانه‌ای به ترتیب برابر با ۱۶۴۸ دلار و ۶۸۴ دلار با فاصله قابل ملاحظه‌ای از کشور ما قرار گرفته‌اند. بررسی وضعیت کارکرد ایران در بخش صنعت، نشان از هدایت نامطلوب منابع در برنامه اول دارد. آمار می‌گوید که بخش صنعت طی همان برنامه حدود ۳۴ میلیارد دلار هزینه ارزی داشته و با این وجود بیش از تحولات قابل قبول در صنایع فولاد، پتروشیمی و تولید لاستیک، تحول دیگری از نظر عرضه انبوه و تحول ساختاری در صنعت کشور نداشتیم. بررسی مسائل صنعت نشان می‌دهد که این بخش از مسائلی چون بهره‌وری پایین، نداشتن قابلیت رقابت در بازارهای بین‌المللی، کمبود پرسنل فنی و کادر مدیریتی، از دیاد فاصله تکنولوژیک با کشورهای صنعتی، دور افتاده از دستاوردهای بین‌المللی در زمینه سازماندهی صنعتی و فقدان یک برنامه صنعتی در سطح ملی رنج می‌برد. علاوه بر مسائل فوق، تجربه در ایران نشان داده که نحوه دخالت دولت در فرایند رشد صنعتی به جای تشویق رفتار توسعه‌گرانه و اقتصادی در میان بنگاه‌های صنعتی، آنها را به اتخاذ رفتار رانت جویانه ترغیب کرده است.

با توجه به این مشکلات به نظر می‌رسد یکی از محورهای اساسی پیش روی مجلس شورای اسلامی توجه به ابعاد مختلف مطرح شده در صنعت کشور در جهت توسعه این بخش و بهره‌برداری از ظرفیت‌های

آن در توسعه همه جانبه کشور است. منظور از سیاست صنعتی، معرفی نوعی نگرش استراتژیک و هدفمند در بخش صنعت است. تنظیم سیاست صنعتی دارای سه رکن به شرح زیر است:

الف- بررسی گرایش‌های نوین بین‌المللی در زمینه‌های تولید، مصرف و تجارت به طور عام؛

ب- بررسی تجارب موفق بین‌المللی در تنظیم و به کارگیری سیاست صنعتی؛

ج- بررسی گرایش‌های ساختاری و رفتاری نهادین در صنعت ایران.

۳-۴- رهیافت‌ها

در تدوین سیاست صنعتی، وجود سیاست اقتصادی (دارای سازگاری متقابل با سیاست صنعتی) دارای ضرورت بوده و بنابراین توجه به جنبه‌های زیر ضروری خواهد بود:

۱- نقشی که دولت به عنوان فراهم آورنده بستر اقتصاد کلان از یک سو و مدیریت و مالکیت واحدهای صنعتی از سوی دیگر می‌تواند ایفا کند. به علاوه دولت خود تشکیل دهنده بازار گسترده‌ای برای بسیاری از کالاهای صنعتی است که از این پس نقش دولت باید بررسی شود.

۲- رابطه صنعت و تجارت؛ سیاست‌های اتخاذ شده در صنعت یا بر جایگزینی واردات و یا بر تشویق صادرات تأکید داشته است، حال آن که رابطه این دو سیاست بسیار با اهمیت است و به کارگیری بازار داخلی و شرکت در صحنه بین‌المللی، هر دو ابعاد جدایی ناپذیر برای توسعه بخش صنعت است.

۳- تکنولوژی در صنعت؛ ظهور صنایع الکترونیکی و انفورماتیک به عنوان نیروی محرکه صنعت در اقتصاد جهان پیشرفته مورد قبول واقع شده است. حال این سؤال اساسی در مورد صنعت ایران مطرح می‌شود که تا چه حد تکنولوژی مدرن در صنعت ایران جذب و درونی شده است. میزان درونی شدن تکنولوژی‌های جدید، درجه مدرنیزاسیون صنعت را نشان می‌دهد و شاخص اصلی در قابلیت رقابت صنایع کشور را در صحنه بین‌المللی بیان می‌کند.

فصل چهارم - اسلامی شدن دانشگاهها

۱-۴- مقدمه

اسلام دینی است طرفدار تحقیق، پژوهش، دانش، گسترش و رشد معرفت. جایگاه تعلیم و تعلم در اسلام جایگاهی رفیع و والامی باشد.

اسلام وجود نهادی به عنوان دانشگاه را پذیرفته و شأن ویژه‌ای برای حضور در محضر علم و عالم قائل است. این تقدس و این شأن والا برای تعلیم و تعلم مادامی است که این گونه فعل و انفعالات و نتایج آن در خدمت دین، مردم و اداره جامعه قرار گیرد.

دانشگاهیان و دانشجویان به عنوان قشر برگزیده علمی و فکری، نقشی حساس و استراتژیک در جامعه را دارا می‌باشند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات در دانشگاه‌ها که منجر به تعطیلی دانشگاه‌ها و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی گردید، انتظار می‌رفت که دانشگاه‌ها هم به موازات سایر قسمت‌ها، به تربیت نیروی متخصص و متعهد لازم برای اداره جامعه بپردازد. اما متأسفانه این امر به علت وجود بعضی از تفکرات خاص در قشر اساتید و دانشگاهیان و هدف قرار

گرفتن دانشگاه‌ها در کانون تهاجم فرهنگی غرب تاکنون کمتر حاصل گردیده است و بنا به فرمایش صریح مقام معظم رهبری «دانشگاه هنوز اسلامی نشده است».

ذیلاً بررسی مختصری در رابطه با این مسئله و ابعاد آن با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری و نظرات ایشان در این باب خواهد گردید.

۲-۴- معنای اسلامی کردن دانشگاه:

مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرمایند:

«اسلامی کردن چهره دانشگاه یعنی که باید در وضع ظاهری دانشگاه چیزی که خلاف شرع است، خلاف اسلام است و از نظر قرآن مردود است وجود نداشته باشد».

و در جای دیگری می‌فرمایند:

«تحول در دانشگاه به معنای حاکم کردن ارزش‌های اسلامی در نظام تحصیلی، در هدف از تحصیل در موارد درسی و پژوهشی علمی، در روابط استاد و دانشجو، در مدیریت، در فضای دانشگاه و در گزینش‌های استادی و دانشجویی و خلاصه در همه آن چیزهایی است که با سازندگی انسانها در این محیط آموزش و پرورش ارتباطی مؤثر دارد».

۳-۴- ضرورت اسلامی شدن دانشگاه‌ها:

دانشگاه‌ها به عنوان مرکز آموزش و پرورش و تأمین نیازهای علمی امروز و فردای جامعه می‌توانند نقش بسیار اساسی و مهمی در سعادت و رفاه جامعه ایفا نمایند. هم‌چنان‌که اگر در جایگاه اصلی خویش نباشند و رسالت اصلی خویش را انجام ندهند و تحت نفوذ و سلطه فکری استعمار و غرب قرار گیرند می‌توانند منشأ بدبختی و تباهی جامعه نیز باشند.

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی حضرت امام (ره)، با تأکید بر نقش دانشگاهیان و طبقه تحصیل کرده این چنین

می‌فرمایند

«همه می‌دانیم که سرنوشت یک کشور و یک ملت و یک نظام، بعد از توده‌های مردم در دست طبقه

تحصیل کرده است و هدف بزرگ استعمار تو به دست گرفتن مراکز این قشر است».

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه می‌فرمایند:

«دانشگاه‌هایمان را به صورت حقیقی کلمه اسلامی کنیم، چون اگر دانشگاه‌ها اسلامی

شوند، زمینه بسیار مناسبی برای اسلامی شدن فرهنگ کلی جامعه به وجود می‌آید».

۴-۴- نحوه اسلامی کردن دانشگاه‌ها:

عناصر اصلی که در صحنه دانشگاه و در فرایند تعلیم و تعلم در مراکز آموزش عالی مؤثرند

عبارت‌اند از:

۱- دانشجویان

۲- اساتید

۳- مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها

۴- کتب علمی

هر گونه برنامه‌ریزی برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها، باید نقش و جایگاه چهار عنصر فوق را در طی

فرایند اسلامی شدن روشن نماید و با ارائه راه کارهای مناسب و تفکیکی بر اساس روابط و تبدلات متقابل چهار عنصر فوق در محیط دانشگاه به گونه‌ای عملی، سعی در حل معضلات موجود نماید. ذیلاً به قسمت‌هایی از فرمایشات مقام معظم رهبری در رابطه با موارد فوق اشاره می‌گردد.

«اسلامی کردن دانشگاه دو بخش دارد:

یکی اسلامی کردن به معنای عمیق و همه‌جانبه است که این در درازمدت حاصل می‌شود و دیگر اسلامی کردن چهره دانشگاه به این معنا که فرهنگ اسلامی و ارزش‌های اسلامی در جو دانشگاه و در فضای زندگی و محیط و رفت و آمد در دانشگاه حاکم باشد، که این خود یک مسئله مهمی است و می‌تواند ما را به آن هدف درازمدت برساند و به تسهیل حرکت ما کمک کند».

در رابطه با دانشجویان

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند:

«نسل جوان دانشجو در قبال انقلاب دو مسئولیت اختصاصی را بر دوش می‌کشد. نخست پیشرو و پیشگام و راهگشا بودن و آن‌گاه برآوردن نیاز علمی جامعه و به خودکفایی رساندن جامعه در بخش متخصصین و سررشته‌داران خلاقیت و ابتکار علمی».

و در جایی دیگر معظم‌له با اشاره به وظایف و نقش دانشجویان چنین می‌فرمایند:

«در این نظام مردمی دانشجویان که طبقه زنده و با نشاط و تر و تازه پیکره اجتماع و پیشرو و پیشاهنگ هستند در سازندگی آینده و ترسیم حرکت عمومی جامعه باید نقشی بیش از آن‌چه که در جاهای دیگر دارند داشته باشند، من بارها در مجامع دانشجویی با دانشجویان دانشگاه‌های مختلف این مطلب را گفته‌ام و حالا در جمع شما هم عرض می‌کنم که این تأثیر با دو عامل در کنار هم تحقیق پیدا می‌کند: عامل اول باید درس و علم و تحصیل باشد تا نام دانشگاه و دانشجو تحقق پیدا کند... و عامل دوم آن نکته اساسی است که در همین جملات، از وصیت‌نامه حضرت امام عزیزمان وجود دارد و اینان در بیانات عدیده متذکر شده‌اند و آن «جهت فکری و سیاسی و انقلابی دانشگاه است و آن چیزی است که به جان و علم و روح جهت خواهد داد».

در رابطه با اساتید

رهبر معظم انقلاب در مورد اساتید و مشخصات و وظایف آنها می‌فرمایند:

«اساتید دانشگاه‌ها باید سرشار از ارزش‌های اسلامی و انسانی باشند. یک استاد بی‌ایمان نمی‌تواند شاگرد مؤمن تربیت کند... آن‌چه باید در دانشجو به وجود آید، باید در استاد وجود داشته باشد». در جای دیگر با تأکید بر لزوم برخورد با اساتید ضد انقلاب می‌فرمایند:

«اگر یک استادی یا یک مدیری، یا یک مجموعه‌ای باشد که اینها به مسائل اسلامی بی‌اعتنا یا جهت عکس آن را ترویج نمایند باید نسبت به قضیه خیلی حساس بود».

در فراز دیگری این‌گونه می‌فرمایند که:

«استادی که تعهد، علم و ایمان کافی نداشته باشد نمی‌تواند شاگرد خوبی تربیت کند و در چنین صورتی نسل آینده یک نسل غیر قابل اعتماد خواهد شد و این مشکل و خطر بزرگی برای انقلاب محسوب می‌شود».

در رابطه با مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها

رهبر معظم انقلاب در این زمینه با مشخصات رؤسای دانشگاه‌ها در وظایف‌شان می‌فرمایند:

«در دانشگاه‌ها آن‌چه که مهم است روش حاکم بر دانشگاه است که روش باید صددرصد اسلامی بشود».

روابط در دانشگاه‌ها باید صد درصد اسلامی بشود که البته تا حدود زیادی شده است. مدیریت‌ها و دانشگاه‌ها باید برای اسلام اصالت قائل شوند.

«ریاست دانشگاه، مسئول از همه جوانب دانشگاه است. هم جنبه علمی دانشگاه، هم جنبه اخلاقی دانشگاه و هم جنبه‌های اداری و مسئولیت‌های پشتیبانی و این قبیل امور».

در رابطه با کتب و برنامه‌های دانشگاهی:

معظم‌له در رابطه با نشر کتب دانشگاهی این چنین می‌فرماید:

«همچنین لازم است بر نشر کتب یک نظارت دقیق و سنجیده‌ای وجود داشته باشد تا هر سخن سست و بی‌بنیانی به نام اسلام پخش و گفته نشود و سخنان موزیانه و خصمانه نسبت به اسلام، به صورت گمراه‌کننده در ذهنیت مردم اثر نگذارد. لذا مطبوعات، کتاب‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس و حوزه‌های علمیه، همه نقش خودشان و سهم خودشان را در احیای فرهنگ اسلامی می‌توانند داشته باشند و دارند».

۴-۵- رهیافت‌هایی برای هر چه بیشتر اسلامی شدن دانشگاه‌ها

اینک به عنوان حسن ختام این بحث؛ موارد ذیل به عنوان رهیافت، عیناً از سخنان مقام معظم رهبری ذکر می‌گردد:

«من اکنون به عنوان پیشنهاد، سرفصل‌هایی را ارائه می‌دهم. این سرفصل‌ها باید به قشر دانشجو این توفیق را ببخشند که همچنان قشری پیشرو و پیشگام به شمار آید، و حرکت انقلابی جامعه، را به سوی استحکام هر چه بیشتر جمهوری اسلامی و حکومت توانی رهنمون شود:

۱- عمق بخشیدن به انقلاب اسلامی از راه ترویج افکار اسلامی در سطح وسیع جامعه و آمیختن شعور و حماسه و ایمان عمومی با اندیشه و درک و تحصیل صحیح و پیوند دادن میان شعار و شعور در سطح عام.
۲- ترویج تاریخ و فرهنگ انقلاب در سطح جهان از راه ترجمه مفاهیم والای انقلاب به زبان علم، هنر و فلسفه و صدور این فرهنگ به ملت‌های دیگر...

۳- پی‌ریزی یک نظام علمی - آموزشی با استفاده از رهنمودهای اسلامی با استخراج و تصفیه مواد اولیه از منابع سرشار فرهنگ اسلامی و همچنین با جذب مواد مناسب از دانش و فرهنگ پیشرفته دیگران

۴- مبارزه صریح با آثار فرهنگ تحمیلی و پالایش فرهنگ جامعه از آن و ارزش دادن به فرهنگ انقلابی و توسعه و ترویج هر چه بیشتر آن

۵- تلاش و مجاهدت در راه تزکیه اخلاقی و ارج نهادن به رهنمودهای بی‌نظیر اسلامی در تهذیب نفس و رشد عنصر انسانیت در کنار تخصص‌ها و دانش‌ها و کارایی‌ها

۶- مبارزه با جریان‌های فکری و سیاسی منحرف و کوشش در افشاگری خطوط ظاهراً موجه و باطناً وابسته به سلطه‌های بیگانه

۷- کوشش در پیوند زدن میان قشرهای پیشرو و پیشگام علی‌الخصوص قشرهای روحانی و دانشجو

۸- دقت و امعان نظر در شناسایی شعارهای ویرانگر از قبیل شعارهای تفرقه‌افکن میان عناصر مؤمن به انقلاب و ... در نتیجه آگاهی از نقاط آسیب‌پذیر انقلاب

۹- تعصب سیاست‌های استکباری در سطح منطقه و شناسایی دست‌اندرکاران آن و ...

۱۰- کوشش برای ایجاد هر چه بیشتر وحدت میان قشرهای مردم با یکدیگر و میان آنان با دولت و مقابله با هر حرکت اختلاف‌انگیز».

۱-۵- مقدمه

در تعریف جوانی این گونه آورده اند که جوانی هنگامی است که انسان شروع به اندیشیدن می نماید. اندیشیدن درباره آینده و فکر شغل و انتخاب راهی که مسیر زندگی وی را معین می کند. با توجه به این که بیشترین درصد جمعیت کشور ما را از نظر سنی جوانان و نوجوانان تشکیل می دهند، برنامه ریزی برای حل مسائل و مشکلات این قشر در درجه بالایی از اهمیت قرار می گیرد. حضرت امام (ره) در فرازی از بیاناتشان با تأکید بر اهمیت برنامه ریزی برای جوانان می فرمایند:

«من به مسئولین دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن، وسائل ارتقای اخلاقی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش ها و نوآوری همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگهدارید.»

مسائل اساسی و مهمی که معمولاً ذهن جوان را هنگام اندیشیدن به خود مشغول داشته و به عنوان عمده ترین مشکلات جوانان تلقی می گردد عبارت اند از:

۱- اشتغال

۲- ازدواج

۳- مسکن

۴- آموزش عالی

علاوه بر این مسائل، محورهای دیگری نظیر نحوه پر کردن اوقات فراغت و تأمین و بهینه سازی نیازهای رسانه ای جوانان مطرح می باشد. به دلیل اهمیت مطالب فوق، ذیلاً به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۲-۵- اشتغال:

۱- موفقیت شغلی و یا پیدا کردن شغل مناسب و دلخواه که منجر به حل مسائل و مشکلات مالی می گردد، از آرزوهای هر انسانی به ویژه جوانان است. از سوی دیگر، بررسی های جامعه شناسی از ارتباط روشن بیکاری و بزهکاری سخن می گوید. رشد سریع جمعیت کشور، مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی و صنعتی نبودن ساختار اقتصادی کشور و مشکلات دیگر، طی سال های اخیر باعث شده است که درصد بیکاری از حدود ۱۰ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۴/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ برسد.

۲- خوشبختانه پس از گذشت سال های برنامه اول و در اثر تحولات اقتصادی و سازندگی و آبادانی کشور، فرصت های شغلی جدیدی ایجاد شد که باعث بهبود عینی وضعیت فوق گردید تا جایی که درصد بیکاری در سال ۱۳۷۰ با حدود ۳ درصد کاهش به ۱۱/۱ درصد رسید. با ادامه روند سازندگی و اجرای برنامه دوم توسعه این درصد باز هم کاهش پیدا نمود و در سال ۱۳۷۳ به حدود ۱۰ درصد رسید.

۳- آمارها حاکی از آن است که تعداد افراد فعال جامعه در سال ۷۳، حدود ۱۵ میلیون نفر می باشد که حدود ۱۲ درصد از آن را زنان تشکیل می دهند. حدود ۹۰ درصد از این جمعیت را شاغلین و حدود ۱۰ درصد را بیکاران تشکیل می دهد.

۴- با این حال بر اساس برآوردهای کارشناسی با توجه به اعمال سیاست های کنترل جمعیت، به طور متوسط سالانه ۴۹۴ هزار نفر جمعیت فعال کشور اضافه می شود. بنابراین سالانه باید بیش از ۴۹۴ هزار فرصت

شغلی جدید در سطح ملی ایجاد شود تا حداقل نرخ بیکاری در سطح (۱۱-۱۲) درصد باقی بماند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۰، ۷۰/۳ درصد از بیکاران را گروه سنی ۱۵ تا ۳۴ سال تشکیل می‌دهند یعنی تقریباً کسانی که در محدوده سن جوانی قرار دارند.

۵- نظر به اهمیت موضوع اشتغال، دبیرخانه‌ای در سازمان برنامه و بودجه تحت عنوان دبیرخانه اشتغال ایجاد شده است و پیش‌بینی می‌شود با متمرکز شدن فعالیت نهادهای ذی‌ربط در این زمینه و توجه ویژه دولت به طرح‌های خود اشتغالی و همچنین طرح‌های تولیدی بزرگ به ویژه در مناطق محروم، فرصت‌های شغلی در حد قابل قبولی ایجاد شود. شایان ذکر است که با اختصاص سالانه ۶۰۰ میلیارد ریال در طی برنامه دوم به طرح‌های مصوب کمیسیون ویژه اشتغال از سوی دولت و مجلس، می‌توان به تخفیف مشکلات بیکاری امیدواری زیادی داشت.

۳-۵- جوانان و ازدواج

۱- ازدواج یکی دیگر از نیازهای اساسی نسل جوان به شمار می‌رود. امر ازدواج در مکتب اسلام تا آنجا مورد تأکید قرار گرفته است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «هیچ چیز در نزد خدا محبوب‌تر از خانه‌ای که در اسلام به ازدواج آباد شود، نیست».

۲- متأسفانه در کشور ما در سال‌های گذشته به تبع مشکلات اقتصادی و فرهنگی، متوسط سن ازدواج بالا رفته است و از ۲۳ سال در سال ۱۳۶۵ به ۲۴/۶ سال برای مردان و از ۱۹/۸ سال به ۲۰/۹ سال برای زنان رسیده است. همچنین در سال‌های اخیر (۷۳ و ۷۴) تعداد ازدواج‌های ثبت شده سالانه ۲ درصد کاهش پیدا کرده است.

این در حالی است که متأسفانه تعداد ازدواج‌های ثبت شده سالانه ۲ درصد کاهش پیدا کرده است.

۳- در نظر سنجی‌های انجام شده اکثر افرادی که مورد سؤال واقع شده‌اند (پسر و دختر) مشکلات اقتصادی را عمده‌ترین مانع ازدواج ذکر نموده‌اند.

۴- حل مشکلات مالی مزدوجین جوان، در آستانه ازدواج از طریق اعطای وام‌های بدون سود با زمان بازپرداخت طولانی می‌تواند گاهی در تسهیل امر ازدواج باشد.

۴-۵- مسکن

۱- مسئله تهیه مسکن مناسب به عنوان یکی از موانع دیگر امر ازدواج مطرح می‌باشد.

۲- آمارهای مربوط به مسکن نشان می‌دهد که شاخص هزینه مسکن، که از ۱۲۵/۱ در سال ۵۹ به ۵۹/۳ در سال ۶۵ تنزل یافته بود، از سال ۱۳۶۶ به بعد سیر صعودی یافته و شاخص بهای زمین به رشد سرسام‌آوری معادل ۴۲۲/۸ در سال ۱۳۶۸ و نهایتاً در ماه‌های پایانی سال ۱۳۷۴ به بالاترین حد قابل تصور رسید.

۳- در حال حاضر سهم مسکن در سبد هزینه خانوار کشور به طور متوسط حدود ۳۳ درصد ذکر می‌شود که بدیهی است این میزان برای اقشار فقیر و دهکهای پایین کاملاً متفاوت است.

۴- اگر تعداد ۷ میلیون واحد مسکونی را در مقابل ۱۱ میلیون خانوار کشور در سال ۷۳ قرار دهیم این نسبت نشان می‌دهد که به ازای هر خانوار ایرانی، تنها ۰/۶۴ واحد مسکونی وجود دارد.

۵- در برنامه اول مقرر شده بود که ۲,۲۸۵,۰۰۰ واحد مسکونی در کل کشور در مناطق روستایی و شهری احداث شود.

ولی در طی مدت برنامه اول، فقط ۶۶/۹ درصد این مهم تحقق یافت.

در برنامه دوم توسعه دولت و مجلس شورای اسلامی توجه خاص به این امر کرده و احداث بیش از ۲/۵ میلیون واحد مسکونی را پیش‌بینی نموده است.

در این برنامه همچنین طرح ساخت مسکن اجتماعی برای زوج‌های جوان و افراد کم‌درآمد که تا یک‌پنجم بهای آن را دولت از محل وجوه واریزی تأمین می‌کند و مابقی را بانک و متقاضی باید تأمین نمایند پیش‌بینی شده است.

۵-۵- آموزش عالی و نسل جوان:

۱- یکی از اساسی‌ترین آرزوهای جوانان در هر جامعه موفقیت تحصیلی، ورود به دانشگاه و ادامه تحصیل است.

۲- خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در سال‌های پس از خاتمه جنگ تحمیلی و آغاز اجرای برنامه اول گسترش و توسعه زیادی در این قسمت صورت گرفته است.

۳- در سال تحصیلی ۷۴-۷۳ در مجموع حدود ۴۸۰ هزار نفر در دانشگاه‌های دولتی مشغول به تحصیل بوده‌اند که بالغ بر ۱۴۵ هزار نفر از این تعداد را زنان تشکیل می‌دهند. در مجموع رشدی معادل ۶۵ درصد نسبت به سال شروع برنامه داشته است.

فصل ششم - انتخابات ریاست جمهوری آینده در یک نگاه

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پایه‌های انقلاب و نظام، روز به روز محکم‌تر شده است و خود را در برابر انواع توطئه‌های داخلی و خارجی مقاوم و آسیب‌ناپذیر نموده است. بررسی تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که انقلاب و نظام هیچ‌گاه قائم به شخص نبوده و اساس انقلاب و نظام محکم‌تر از آن است که با از میان رفتن فرد یا افرادی، دچار سردرگمی، انحراف و یا نابودی گردد. پس از ارتحال امام خمینی (ره) نیز اگر چه انقلاب اسلامی مهم‌ترین و محکم‌ترین استوانه خود را از دست داد، ولی همان‌گونه که امام امت (ره) پیش‌بینی نموده بودند، زعامت امت در دست باکفایت یکی از شاگردان صدیق ایشان قرار گرفت و از خطر انحراف مصون ماند.

امروز نیز پایه‌های نظام جمهوری اسلامی بسیار محکم‌تر از آن است که با تغییر فرد یا افرادی - حتی در بالاترین سطوح اجرایی کشور - از مسیر اصلی منحرف شده و یا از رسیدن به سر منزل مقصود بازماند. خوشبختانه به برکت رهنمودهای مقام معظم رهبری و تلاش‌های قوه مقننه و مجریه دز جریان تدوین و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله اول و دوم، نظام به سوی حرکت برنامه‌دارانه گام برداشته و تغییر فرد یا افرادی در سطح قوه مجریه اگر چه ممکن است در شیوه اجرای برنامه تغییراتی را ایجاد نماید، ولی حرکت برنامه‌مدارانه نظام را دستخوش تغییر نخواهد نمود.

حدود یک سال به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده است و همان‌طور که انتظار می‌رود فعالیت جناح‌های سیاسی در حال تشدید است. گسترش این فعالیت‌ها در این دوره با توجه به این که رئیس جمهور فعلی در دوره آینده در میان نامزدهای این سمت حضور نخواهد داشت، اهمیت خاصی یافته است. اگر چه در مورد ملاک‌ها و معیارهای رئیس جمهور آینده سخنان فراوانی گفته شده و می‌شود، ولی به نظر می‌رسد که رئیس جمهور آتی به عنوان بالاترین مقام اجرایی کشور و سکانتدار قوه مجریه، باید دارای

ویژگی های زیر باشد:

۱- مطیع ولایت فقیه و مورد اعتماد و تأیید مقام معظم رهبری باشد.

۲- از اعتماد و اطمینان مجلس شورای اسلامی برخوردار باشد.

۳- مورد تأیید و اعتماد مردم باشد.

فصل هفتم - رهیافت ها

۱- با توجه به شرایط فعلی و مسائل و مشکلات بنیادی و رفع نارسایی های ساختاری موجود در کشور،

مجلس پنجم باید تحولات ساختاری باشد.

۲- اهم موضوعات محوری که باید در دستور کار مجلس پنجم قرار گیرند عبارتند از:

تحول در نظام آماري کشور، تغییر ساختار دولت، اصلاح نظام مالیاتی، رفع موانع سرمایه گذاری داخلی، اصلاح قوانین و مقررات صادرات و واردات، حل مشکل بیکاری و ایجاد اشتغال و برنامه ریزی برای تحقق و دست یافتن به اقتصاد بدون نفت.

۳- با توجه به اتکا کشور به درآمدهای نفتی و تأثیری که نوسانات ارزی در عرصه اقتصادی - اجتماعی کشور

به وجود می آورد و دقت در این که باروند کنونی مصرف در ۱۵-۱۰ سال آینده نفت تولیدی کشور تنها

قادر به تأمین نیاز داخلی است، تدوین سیاست های اقتصادی نوین بر محور «اقتصاد بدون نفت»

ضروری به نظر می رسد و مجلس پنجم باید با تشکیل کمیسیون خاص این مسئله را در دستور کار خود

قرار دهد.

۴- فعالیت های صنعتی هنوز نتوانسته جایگاه مناسبی را در مجموع فعالیت های اقتصادی کشور به دست

آورد. با وجود ۳۴ میلیارد دلار هزینه ارزی در برنامه اول بیش از تحولات قابل قبول در صنایع فولاد،

پتروشیمی و تولید لاستیک، تحول دیگری از نظر عرضه انبوه و تحول ساختاری در صنعت کشور

نداشته ایم. لذا تدوین سیاست توسعه صنعتی که در واقع نگرش استراتژیک و هدف مند در بخش صنعت

است باید در دستور کار مجلس پنجم قرار گیرد.

- دانشجوی، استاد، مدیریت و کتب دانشگاهی ارکان چهارگانه تدریس و تعلیم و تعلم در دانشگاه ها

می باشند که در هر گونه برنامه ریزی برای اسلامی شدن دانشگاه باید مورد توجه ویژه قرار گیرند.

- اشتغال، ازدواج، آموزش عالی و مسکن اهم موضوعاتی می باشند که در حل مشکلات و مسائل نسل

جوان باید مورد توجه قرار گیرند.

- ایجاد فرصت های شغلی کافی، تخصیص وام ازدواج، ساخت انبوه مسکن اجتماعی برای زوج های

جوان با توجه به الگوهای ساخت مسکن و توسعه آموزش عالی علی الخصوص در بخش غیر انتفاعی

می توانند به عنوان راهکارهای حل مشکلات جوانان مورد بررسی و امعان نظر قرار گیرند.